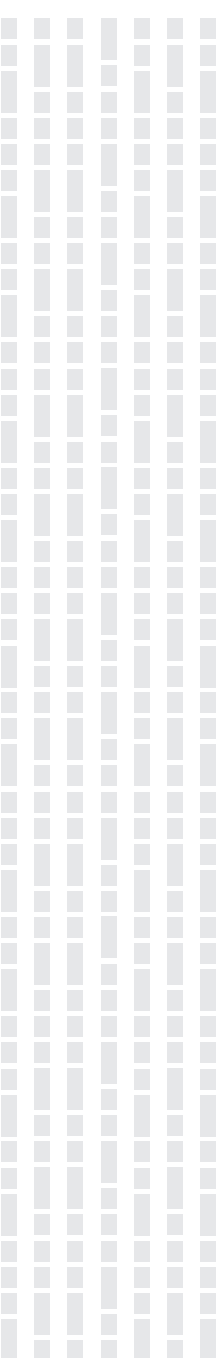


# جهان‌شهر

<span><span><span></span></span></span>
چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۳
<div><div><span><span>۰</span></span><div><div>۰۱۵۸</div></div></div></div>
شماره ۴۱۶۰
<div><div><span><span><span></span></span></span></div></div>
www.fdn.ir
<div><div><span><span><span></span></span></span></div></div>
FARHIKHTEGANDAILY



# ۸

**رئیس‌جمهور چهاردهم** با **چه واقعیت‌هایی در سیاست** **خارجه** **روبه‌رو** **است**

# ایران ۱۱ سال بعد از رومانتیسم دیپلماتیک



سیدمهدی طالبی

دبیرکروه جهان‌شهر

زمانی به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری نمانده و فراتر از نتیجه، تیمی که سکان هدایت کشور را در دست می‌گیرد، باید نگاه درست و به‌روز شده نسبت به مسائل داشته باشد؛ نگاه‌های اشتباه باعث تصمیم‌گیری‌های اشتباه می‌شوند. دولت آتی ایران لازم است برداشت‌های واقعی نسبت به اصلی‌ترین موضوعات مانند تحریم‌ها، پرونده هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای، عضویت در دو سازمان شانگهای و بریکس، سیاست نگاه به شرق و توزیع قدرت در سطح جهانی پیدا کند و از این رو در ادامه تلاش شده نسبت به این موضوعات توضیحاتی ارائه شود.

### اراده هسته‌ای

مساله هسته‌ای دیگر همانند گذشته نیست. حفظ غنی‌سازی موضوعیت دارد اما دیگر موضوع مورد مذاکره نیست. سیاست و موقعیت جدید ایران موضوعی است که توسط سیدکمال خرازی، رئیس شورای روابط خارجی مطرح شد. براساس این موضع ایران در صورت تداوم تهدیدات هسته‌ای راهی جز تغییر دکترین هسته‌ای و ساخت سلاح هسته‌ای نخواهد داشت. امتیازات از غرب دیگر نباید ما به ازای باز و بستن سانتریفیوژها بشوند بلکه بازی از این پس بر مدار «اراده» برای ساخت سلاح جریان دارد. سیاست جدید ایران با توجه به وضعیت جهانی اتخاذ شده است. رژیم صهیونیستی در جریان جنگ طوفان الاقصی نسبت به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای یا حمله علیه تاسیسات هسته‌ای ایران تهدیداتی داشته است. در جنگ اوکراین نیز تهدیدات هسته‌ای رشد داشته و طی روزهای اخیر دومین مرحله از آزمایش هسته‌ای روسیه برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی انجام شده است. همزمان در جنوب شرق آسیا ژاپن و حتی کره جنوبی بر توانمندی‌های هسته‌ای خود افزوده‌اند. از این پس مذاکراتی از جنس گفت‌وگوهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ جویاگر نیازی‌های کشور نیست و انطباقی با واقعیت نیز ندارد.

### عبور از فصل هفتم

بحث فصل هفتمی شدن ایران اهمیت خود را از دست داده است. چین و روسیه دیگر با غرب در یک موضع نیستند. از سوی دیگر غرب در اوکراین و فلسطین اشغالی با همه امکانات خود به جایی نرسیده چه رسد به آنکه قادر به ترتیب دادن حرکتی بزرگ علیه ایران باشد. غرب حتی به شکل حاشیه‌ای نمی‌تواند حرکت موثری را اجرا کند و اقدام مستقیمش دور از ذهن است. جنگ‌های اوکراین و فلسطین اشغالی از چند جهت حائز اهمیتند. این جنگ‌ها نشان دادند بازدارندگی غرب دچار فرسایش شده، به‌گونه‌ای که از روسیه گرفته تا مقاومت غزه اجازه عبور از آن را به خود می‌دهند. از سوی دیگر غرب با صرف سه سال زمان در جنگ اوکراین و ۸ ماه در جنگ غزه و تجمع حداکثری امکانات خود نتوانسته افقی از پیروزی در آنها بسازد. این اتفاق به آن معناست که نیروی نظامی غرب تاثیر گذشته خود را از دست داده است.

نکته دیگر فعال ماندن جبهه‌هاست. هرچند در صورت پایان جنگ در اوکراین و فلسطین اشغالی نیز غرب قادر به استفاده از فصل هفتم منشور سازمان ملل علیه ایران نیست، اما دوزنمای نزدیکی نیز از پایان این دو جنگ مشاهده نمی‌شود با وجود گرفتاری در آنها بیشتر از هر وضعیت دیگری قادر به اقدام علیه ایران نخواهد بود. علاوه‌بر مشخص شدن ضعف‌های غرب، طی چند سال اخیر به شدت بر قدرت نظامی ایران نیز افزوده شده که یکی از نشانه‌های آن به میدان آمدن موشک‌های هایپرسونیک است.

### اروپا

اروپا با آنچه قبلاود متفاوت شده است. به زعم برخی اروپا مرده است؛ همان‌گونه که جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سخنرانی خود در دانشگاه آکسفورد به وجود چنین دیدگاه‌هایی اشاره کرد. این مساله را می‌توان در تحولات دو ماه اخیر دید. پس از شهادت رئیس‌جمهور ایران و ورود کشور به بازه رقابت‌های انتخاباتی، اروپا تلاش کرد با اعمال فشار علیه ایران ازجمله تحریم‌های جدید، صدور بیانیه و قطعنامه در شورای حکام و تهدید از این فرصت استفاده کند. با این وجود از سه قدرت اصلی اروپا، دو کشور به انتخابات زودهنگام دچار شدند. ریثی سوناک، نخست‌وزیر انگلیس در کمال تعجب روز ۲ خرداد (۲۲ می) اعلام کرد به دنبال انحلال پارلمان این کشور به سمت برگزاری انتخابات زودهنگام می‌رود که در ۱۴ تیر (۴ جولای) برگزار خواهد شد. علاوه‌بر انگلیس، فرانسه نیز به انتخابات زودهنگام دچار شده است. امانوئل مکرون به عنوان یکی از حریص‌ترین افراد برای استفاده از سانحه بالگردی رئیس‌جمهور، به دنبال شکست حزبی در انتخابات پارلمان اروپا در اقدامی شگفت‌آور روز یکشنبه هفته جاری (۲۰ خرداد، ۹ ژوئن) پارلمان کشورش را منحل کرد.

پیش‌بینی می‌شود سوناک و مکرون هر دو در انتخابات پارلمانی شکست بخوردند. سوناک در صورت شکست، مقامش را از دست می‌دهد اما مکرون با وجود باقی ماندن در پست ریاست‌جمهوری، مجبور خواهد شد با نخست‌وزیری مخالف، دوره‌اش را به پایان برساند. همچنین فشارها برای استعغای مکرون از ریاست‌جمهوری و اولاف شولتز از صدراعظمی آلمان بالاست. اروپا به فلاکمی رسیده که تلاش داشت از فرصت سانحه بالگردی برای رئیس‌جمهور ایران استفاده کند. در همان اقدام نیز تهران اهمیتی برای تحرکات اروپا قائل نبود. با این حال وضعیت بغرنج اروپا به این قاره حتی اجازه نمی‌دهد ژست قدرت نداشته‌اش را ادامه دهد. اروپا به‌طور کلی قدرت و وجهه‌اش را بر یاد داده است.

### توقع درست از شانگهای و بریکس

سازمان‌های شانگهای و بریکس اغلب با ناتو و اتحادیه اروپا مقایسه می‌شوند. نتیجه این مقایسه ناکارآمد به نظر رسیدن این دو در برابر نمونه‌های غربی است. درحالی‌که ناتو امتیازات نظامی قابل توجهی به اعضا می‌دهد، شانگهای بیشتر بر امور امنیتی متمرکز است به‌گونه‌ای که برخی از اعضای آن مانند پاکستان یا فشار آمریکا مجبور شده‌اند به اوکراین در طول جنگش با روسیه کمک نظامی کنند. بریکس نیز با اتحادیه اروپا، ساختارها و معاهدات دیگر تفاوت‌های بزرگی دارد. به‌عنوان نمونه، هند همزمان با کمک به آمریکا برای مهار قدرت نظامی و اقتصادی چین، در بریکس در کنار پکن عضویت دارد که وظیفه‌اش به چالش کشیدن نفوذ سیاسی و

اقتصادی آمریکا در جهان است.

از شانگهای و بریکس باید توقعاتی متناسب با آنها داشت. در مورد هند، این کشور همزمان که با همکاری آمریکا برای مهار چین می‌کوشد و از کمک‌های واشنگتن بهره‌مند است، تلاش دارد هژمونی واشنگتن را نیز بشکند؛ هر چند برخی از سیاست‌های آمریکا در قبال چین در راستای اهداف هند قرار دارند، اما در همه پرونده‌ها این‌گونه نیست. درحالی‌که سرمایه‌گذاری در بندر چابهار برای دسترسی هند به آسیای میانه حیاتی است، آمریکا با آن مخالفت کرده و دهلی‌نو را به تحریم تهدید می‌کند. هند نیز با به‌کارگیری ابزارهای مختلف، درصدد شکل‌دهی به طیفی از همکاری‌ها و تعدیل‌هاست.

دولت آتی ایران نباید تحت تاثیر تبلیغات سو درخصوص این دو سازمان قرار گیرد. اخیرا به دنبال اقدامات چینی‌ها در موضوع جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس عده‌ای آن را نشانه بی‌اهمیتی حضور ایران در کنار چین در قالب شانگهای و بریکس دانسته‌اند. گاهی کوتاه به نحوه حضور و تعامل هند در این سازمان و تنظیم و پیشبرد روابطش با چین و آمریکا نشان می‌دهد دولت آتی ایران نباید نگاهی ساده به این دو سازمان داشته باشد. ایران همزمان با اختلافات بزرگ و عمیق با چین و مقابله موثر با آن می‌تواند در شانگهای و بریکس به بازبزرگی بپردازد.

### سیاست همسایگی

سیاست همسایگی که در دولت شهید رئیسی به‌اجرادآمد، موفقیتش اثبات شده است. رهاکردن آن خسارتی عظیم است. براساس این سیاست، روابط تهران باید از جنبه جغرافیایی با تمام کشورهای منطقه به‌ویژه دولت‌های همسایه کم تنش و پربازده شده و در جنبه تعریفی باید با تمام دولت‌های دوست در سراسر جهان گسترش یابد. پیگیری این سیاست می‌تواند ضمن محال ساختن انزوی ایران، ضربه‌ای بزرگ به رژیم تحریمی غرب باشد. تهران بر اثر همکاری با محیط اطراف و دولت‌های دوست می‌تواند به تامین نیازهای خود در تجارت خارجی پرداخته و از بند تحریم‌ها بگریزد. گریختن از بند تحریم‌ها به معنای فضای باز جهت پیگیری طیف وسیعی از موضوعات است. نکته مهم دیگر درخصوص سیاست همسایگی، زدودن و حمله به زمینه‌های حضور نظامی آمریکا در منطقه است. با برطرف شدن اختلافات، انگیزه کشورهای منطقه برای میزبانی نیروهای آمریکایی کاهش یافته و بر هزینه‌های واشنگتن افزوده می‌شود.

### نگاه به شرق

سیاست نگاه به شرق به معنای غلغیتدن در آغوش شرق نیست. براساس نگاه‌های سنتی بازمانده از دوران جنگ سرد که عصر بلوک‌بندی‌ها بوده، یک دولت باید به یکی از دو دسته از قدرت‌های غربی یا شرقی بپیوندد. سیاست نگاه به شرق ایران اما نباید در این چهارچوب دیده شود.

تصویر دیگری که باعث خطای دید در این باره شده، شکست مذاکرات و کاهش روابط با غرب است. برخی معتقدند ایران با ناکامی در روابط خود با غرب درصدد جاگزینی این روابط با شرق است. این دیدگاه اشتباه است زیرا تهران از سر ضعف و انفعال نگاه به شرق را مطرح نکرده است. نگاه به شرق بیشتر متأثر از توازن‌بخشی سیاست خارجی ایران است. پس از انعقاد برجام، سیاست‌های دولت وقت باعث روگردانی قدرت‌های شرقی از تهران شد. آنها فکر می‌کردند تهران پس از توافق هسته‌ای به سمت غرب غلغیده و برای رضایت خاطر این مجموعه از توسعه روابط و همکاری‌های بزرگ با قدرت‌های شرقی خودداری می‌کند. نگاه به شرق ایران برطرف‌کننده چنین مشکلاتی در سیاست خارجی است.

به دلیل بزرگی‌های غرب بر شرق طی دهه‌های گذشته و روابط تاریخی میان ایران و این مجموعه، کشورهای شرقی دیدگاه ثابتی درخصوص تهران داشتند اما با اعلام و اجرای سیاست نگاه به شرق متوجه شدند ایران خواهان ایجاد روابط متوازن با طرفین است. در نام‌گذاری این راهبرد یک نکته زیرکانه نیز وجود دارد. درحالی‌که برخی کارشناسان و سیاستمداران نگاه به شرق را بیوسنت به شرق بیان می‌کنند، برخلاف برداشت آنها، تهران با تانکید بر «نگاه» به شرق پیوستن به این جبهه را نفی کرده است. این سیاست تداوم همان «نه شرقی و نه غربی» است که سیاست ثابت جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. دولت بعدی ایران باید بتواند خود را از بررس تحلیل‌ها و تبلیغات ناصواب دور نگاه داشته و دیدگاهی درست و نزدیک به واقعیت پیدا کند. نگاهی به دستگا‌های تبلیغاتی غرب که روی مردم و نجبانگ تنظیم شده، نشان می‌دهد آنها درصدد القای برداشت‌های نادرست درخصوص روابط با چین و روسیه هستند. آنچه به اعلام در این زمینه کمک می‌کند، دیدگاه‌های جنگ سردی و سوابق نفعی

امپراطوری روسیه و شوروی است.

دولت آتی ایران باید درنظر داشته باشد در جهان آینده علی‌رغم تکثر قدرت و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای، به شکل جهانی آمریکا، روسیه و چین موثر باقی خواهند ماند؛ از این رو برای تنظیم مناسبات، ارتباط با این سه کشور لازم است. این نکته تا جایی مهم است که حتی روسیه برای ماندن در این سطح دست به بازبزرگی میان آمریکا و چین می‌زند.

چین که قدرتی اقتصادی است، برای تضعیف قدرت نظامی آمریکا از تحرکات نظامی روسیه در اوکراین به شکل غیرمستقیم حمایت می‌کند. از سوی دیگر روسیه که تنها قدرتی نظامی است، برای آنکه در برابر قدرت اقتصادی آمریکا به زانو در نیاید، به قدرت اقتصادی چین تکیه می‌کند. اگر این سه قدرت برای بازبزرگی موثر به تنظیم روابط میان خود نیازمند هستند، این نکته برای دیگران ضروری‌تر است. این درحالی است که شوروی و آمریکا در دوران جنگ سرد به‌طور کامل بر توانمندی‌های خود تکیه داشتند.

### ایران پیش‌شرط‌ها را تعیین می‌کند

از هسته‌ای تا منطقه‌ای، دوره پیش‌شرط‌گذاری غرب در پرونده‌ها به پایان رسیده است. با این موضوع در دوره‌های مختلف برخورد شعاری شده اما در شرایط کنونی به شکل جدی فضای واقعی حاکم بر مناسبات است. ایران تا ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کند و نفت می‌فروشد، جنگ علیه غرب در منطقه طی ۸ ماه جریان داشته و به کنترل درنیامده است. پیش‌شرط‌ها دیگر در دستان غرب نیستند و باید در تهران تعیین شوند. بهره‌گیری از فضای جدیدی اما نیازمند هنرمندی است. اگر پیش‌شرط‌گذاری‌های ایران هوشمندانه ابراز نشوند، با عدم کسب نتایج لازم احتمال دارد پژوهشگران و سیاستمداران مسئول در پاترعیف وضعیت مجددا به شرایط گذشته بازگشت کرده و گفت‌وگو با غرب را بر مدار پیش‌شرط‌گذاری‌های این مجموعه به پیش ببرند. از این رو پیشبرد زیرکانه ضروری است. ایران در دوره جدید با حفظ صبر و تحمل پیشینی می‌تواند چند پیش‌شرط برای غرب در سیاست خارجی خود قرار دهد تا ضمن حفظ منابع خود از تداوم مذاکرات اطمینان حاصل کند. این پیش‌شرط‌ها در طیف وسیعی از مسائل می‌توانند پیگیری شوند. اشاره به این حوزه‌ها به معنی پیگیری سیاست‌ها و اهداف متصلبانه از تمام آنها نیست؛ هرچند برخی از این حوزه‌ها نیازمند اعمال کامل شاخص‌ها هستند.

### رفع تحریم‌ها

اعمال تحریم‌های شدید علیه یک کشور مشاهدتهایی با جنگ فراگیر دارد. تحریم‌ها به شکل مستقیم و غیرمستقیم باعث مرگ و مشقت ایرانیان می‌شود و از برخی جهات زیان‌های آن با جنگ تفاوتی ندارد. با توجه به غیرانسانی بودن و مشابَهت زیان‌های تحریم با جنگ، ایران برای عدم پیشروی بیشتر در برخی از مولفه‌ها باید ما به ازای لازم را دریافت کند. آنچه در این خصوص اهمیت دارد اصرار ایران بر رفع همه جانبه تحریم‌هاست. غرب با رفع گزینشی تحریم‌ها امتیازاتی از ایران گرفته اما در مقابل تعهدات امتیازهای تهران را بی‌اثر می‌سازد.

به‌عنوان نمونه در مواردی امکان فروش نفت ایران و پرداخت مبلغ لازم به حساب ایران امکان‌پذیر بوده اما برداشت از این حساب‌ها برای خرید کالاهای مورد نیاز، ممکن نبوده است. همچنین در برخی مواقع تحریم‌ها برای خرید لوازم و کالاهایی تعدیل می‌شوند اما به دلیل عدم امکان فروش نفت و دسترسی به درآمد‌های نفتی، ایران قادر به استفاده از این فضای رفع تحریم نشده است. از این رو تهران باید بر رفع همه جانبه تحریم‌ها تانکید کند. در برابر خواسته جامع، شاید غرب به این نکته اشاره کند که اگر امکان جمع‌آوری کامل برنامه هسته‌ای ایران نیست، در برابر آن تمام تحریم‌ها نیز قابل رفع نیستند. این اد‌عای غرب از اساس باطل است زیرا همه کشورهای جهان از حق برخورداری از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را دارند و برای ممانعت از چنین برنامه‌ای تحریم‌ها مشروعیت ندارند.

### احترام به حاکمیت و عدم مداخله

غرب دست‌کم دو سده مداخله در امور داخلی ایران را به دستور کار دائم خود در ارتباط با تهران تبدیل کرده است. یکی از دلایل انقلاب ۱۳۵۷ نیز قطع این مداخلات بود. پس از نابودی دوره نفوذ عمیق غرب در تاریخ ایران، آنها تلاش کردند همچنان از باقی‌مانده‌های نفوذ پیشین بهره ببرند. ازجمله اقدامات آنها حمایت از گروهک‌های تجزیه‌طلب به اشکال مختلف، از حمایت و آموزش رسانه‌ای تا پشتیبانی نظامی است. غرب همچنین به دنبال قرار دادن سپاه در لیست تحریمی است تا به نوعی اعلام کند دیگر جمهوری اسلامی ایران را به عنوان حاکم کشور به رسمیت



نمی‌شناسد. ایران باید در پیش‌شرط‌های خود پرونده د خالت‌های غرب را روی میز گذاشته و به آنها تانکید کند در صورت تداوم، در فضای جدید پاسخ‌های موثری به این مداخلات می‌دهد.

### شناخت نقش منطقه‌ای ایران

ایران سیاسی یا تمدن ایرانی همواره نقش موثری در منطقه داشته‌اند. تلاش برای نادیده‌گرفتن این جایگاه طی چند دهه اخیر ثمری برای غرب نداشته و علی‌رغم فشارها، تهران در کسب جایگاه خود گام‌های بزرگی برداشته است. اگر غرب خواهان پایان فشارهای ایران به خود است باید جایگاه منطقه‌ای ایران را به رسمیت بشناسد. غرب با محصور کردن میز مذاکرات به خود و متحدانش در هر بحران یا ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه ایران، راه به جایی نبرده و نخواهد برد. مسیر منطقه از تهران می‌گذرد. آنچه تهران را به اقدامات مقابله‌ای می‌کشاند، تلاش برای محدود ساختن قدرت واقعی ایران است.

### تضمین‌های امنیتی

آمریکا در سراسر منطقه پایگاه‌های نظامی برپا کرده که اد‌عا می‌شود بیشتر برای کنترل رقبای جهانی این کشور از چین و روسیه گرفته تا اروپا ایجاد شده‌اند اما در عمل علیه تهرانند. به‌عنوان نمونه گفته می‌شود آمریکا از حضور در خلیج فارس و نظارت بر جریان انرژی می‌کوشد اهرم کنترلی علیه قدرت‌های بزرگ اقتصادی داشته باشد که حتی برخی از آنها مانند ژاپن و کره جنوبی متحدان غرب‌نند. هرچند این اد‌عاها می‌توانند درست باشند، اما قطعاً چین، روسیه، ژاپن، کره جنوبی و اروپا حتی اگر تمام داشته‌هایشان را در منطقه و خلیج فارس روی هم بگذرانند، همچنان آمریکا برای حفظ اهرم کنترل انرژی در دستان خود نیازمند این حجم از نیرو و تجهیزات در منطقه و آب‌هایش نیست.

آمریکا نمی‌تواند با چنین اد‌عاهایی فشار درخواست‌های ایران را زد کند. تهران به خوبی می‌داند این حجم از امکانات واشنگتن به چه دلیل در منطقه جمع شده‌اند. در چنین شرایطی ایران باید بی‌وقفه بر توانمندی‌های نظامی و هسته‌ای خود بیفزاید. آمریکا با وجود فروپاشی شوروی و تزلزل حضور روس‌ها در قفقاز، همچنان ده‌ها سلاح هسته‌ای در پایگاه اینترلیک ترکیه نگاه داری می‌کند. در شرایط فعلی این تسلیحات جز برای تهدید ایران در خاک ترکیه مستقر نیستند.

### عادی‌سازی روابط اقتصادی

بسیاری از اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین دشمنان غرب روابط اقتصادی عمیقی با این مجموعه دارند. در مقابل اما تهران از این فرصت محروم است. این مساله نشان می‌دهد برداشت‌های تهدیدآمیز از ایران در غرب به دلیل حضور جنگ طلبان و لابی‌های صهیونیستی بسیار پرزنگ بوده و حتی مذاکرات رفع جامع تحریم‌ها نیز نمی‌تواند به عادی شدن روابط میان ایران و غرب بینجامد. اگر غرب نه نسبت به ایران بلکه نسبت به گفته‌ها و اهداف اعلامی خود صادق است، باید پی‌پذیرد روابط اقتصادی‌اش با ایران به روال عادی بازگردد.

غرب در شرایطی که نیازی جدی به انرژی دارد نیز از خرید نفت و گاز ایران خودداری می‌کند که نشان دهنده نیت شومی در سررہبریان این مجموعه است. آنها همچنین در رویای ۵ دهه قبل و دوران حکومت پهلوی هستند که منابع و ذخایر ایران زبردست شان بود. آنها براساس این آرزو و خشم متراکم ناشی از دست دادن موقعیت پیشین شان در ایران همچنان از روابط اقتصادی با تهران خودداری می‌کنند به این امید که روزی بار دیگر موقعیت قبلی خود را احیا کنند. در این شرایط ایران باید به پیشروی خود در مولفه‌های قدرت با سرعت بالاتری ادامه دهد. غرب اگر خواهان آرامش است، باید به ایران نشان دهد از آرزوی گذشته خارج شده است. قطعاً یکی از نشانه‌های عملی این عبور، عادی‌سازی روابط اقتصادی و دوطرف و ایجاد زمینه بهره‌برداری ایران از منابعش است.

### رسیدگی به مسائل بشردوستانه

توطئه‌های غرب علیه ایران و ملت‌های منطقه آسیب‌های زیادی به تمام ساکنان‌شان وارد کرده است. غرب باید نسبت به رفع این آسیب‌ها متعهد شود. غرب نمی‌تواند بازی را در نقطه‌ای ناهم‌تراز تنظیم کند؛ در جایی که منطقه اطراف ایران خراب شده است. به همین دلیل است که در مقابل تخریب منطقه پیرامونی ایران لازم است مناطقی حتی در اروپا به شدت تخریب شوند. یک مسیر برای پیشگیری از آسیب‌های هم‌تراز با ایران در حوزه تبادل ضربات، جبران زیان‌های وارد‌آمده به منطقه است.